




Analysis of the Attitudinal Transformation of Shi'ite Commentators concerning the Concept of “Zīnat” in Verse 31 of Sūrat Al-Nūr*

Farzaneh Nazari Sharabyani¹ 
Mahdi Mehrizi Toroqi² 
Mozhgan Sarshar³ 

Abstract

Considering the historical course of thoughts in examining the meaning of words and paying close attention to the transformations or attitudes that have occurred is the key that reflects the origin of the view and the factors that create its transformation and reveals the grounds for the change and transformation of the meaning of words or its semantic stability in the historical course. This issue becomes more important when the word has a socially oriented semantic implication and its semantic transformations or changes have objective effects on social rulings. Among these words is the word “zīnat” (charms) which is mentioned in some verses of the Qur'an, including in verse 31 of Surat al-Nūr and has a social implication. Based on the necessity mentioned above, the present article examines the word "zīnat" in the views of Shi'ite commentators using a descriptive-historical method. The results of the study show that in the early period until the eighth century, these views emphasized the interpretation of the meaning

* Received: 2024 May 27, Accepted: 2024 Sep 23



DOI: 10.22081/jqr.2024.69194.4022

1. Ph.D. Student, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran .

farzaneh.sharabyani@yahoo.com

2. Associate Professor, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran . sarshar2008@gmail.com (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran . toosi217@gmail.com

of "zīnat" as temporary charms and jewelry, but since the ninth century, the outlook of partial or total assumption of the female body as pudenda mulieris (woman's private parts) appeared in the views of traditional commentators and became more prominent as the contemporary era drew near. A careful look at the mentioned views shows that the grounds for this change in attitude can be sought in the following areas: "the contrast between the tradition-oriented version and the innovative version of women's rights", "the patriarchal version of the rulings", "providing a solution for controlling gender-specific privacy" and "the promotion of the active social status of women in today's era".

Keywords:.

Keywords: zīnat (charms), verse 31 of Surat al-Nūr, awrat ingārī (assumption of the female body as pudenda mulieris), Shi'ite interpretations, transformation in attitude.



واکاوی دگرسانیِ نگرشی مفسران شیعه درباره مفهوم «زینت» در آیه ۳۱ سوره نور *

فرزانه نظری شربیانی^۱

مهدی مهریزی طرقی^۲

مژگان سرشار^۳

چکیده:

نظرداشت سیر تاریخی اندیشه‌ها در بررسی معنای واژگان و دقت در دگرسانی‌ها و یا نگرش‌های رخ داده، کلیدی است که خاستگاه نگره و عوامل تحول‌آفرین آن را بازتاب می‌دهد و زمینه‌های دگرسانی و دگرگونی معنای واژگان و یا ثبات معنایی آن را در سیر تاریخی نمایان می‌سازد. این مسئله، زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که واژه، دارای بار معنایی اجتماع‌محور باشد و دگرسانی‌ها یا تغییرات معنایی آن، بر احکام اجتماعی تأثیراتی عینی بگذارد. از جمله این واژگان، واژه «زینت» است که در برخی از آیات قرآن، از جمله در آیه ۳۱ سوره نور آمده است و بار اجتماعی دارد. بر پایه ضرورتی که گفته شد، نگاشته پیش‌رو با بهره‌گیری از روش توصیفی - تاریخی واژه زینت را در نگره‌های مفسران شیعی بررسی می‌کند. نتیجه بررسی نشان می‌دهد این نگره‌ها در دوران متقدم تا قرن هشتم، بر تفسیر معنای زینت به زینت‌های عارضی و زیورآلات تأکید دارد، اما از سده نهم، نگره عورت‌انگاری جزئی یا کلی بدن زن - در نظریه‌های مفسران سنت‌مدار - رخ بر می‌آورد و با نزدیک شدن به عصر معاصر، نمود بیشتری به خود می‌گیرد. دقت نظر در نگره‌های یادشده نشان می‌دهد زمینه‌های این تغییر نگرش را می‌توان در موارد ذیل جستجو نمود: «تقابل خوانش سنت‌محور با خوانش نواندیشانه از مسئله حقوق زنان»، «خوانش مردسالارانه از احکام»، «ارائه راهکار برای کنترل حریم جنسی» و «ارتقای جایگاه اجتماعی فعالان زن در عصر امروز».

کلیدواژه‌ها: زینت، آیه ۳۱ نور، عورت‌انگاری بدن زن، تفاسیر شیعی، دگرسانی نگرشی.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷، تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲.

10.22081/jqr.2024.69194.4022

شناسه دیجیتال (DOI):

۱. دانشجوی دکتری دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، farzaneh.sharabyani@yahoo.com

۲. دانشیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) toosi217@gmail.com

۳. استادیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران sarshar2008@gmail.com

واژه زینت فراوانی بسیاری در قرآن دارد؛ به گونه‌ای که با مشتقات خود، ۴۷ مرتبه و در ۴۳ آیه به کار رفته است و گونه‌های مختلفی مانند زینت طبیعت، آسمان، زمین، انسان و غیره را در برمی‌گیرد. یکی از مهم‌ترین کاربردهای زینت در قرآن، در آیات مربوط به حجاب است که قرآن پژوهان مختلف از دیرباز تا کنون، نگره‌های گوناگونی درباره آن ابراز داشته‌اند و با توجه به رشد عقلانیت محوری و رویکردهای تجدیدگرایانه در دوران معاصر، برداشت‌های نو و متفاوتی از آنها صورت گرفته است.

یکی از آیات مربوط به «زینت»، آیه ۳۱ سوره مبارکه نور است که می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ خُمُرَهُنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ...» (نور: ۳۱). درباره معنای «زینت» در این آیه کریمه مناقشاتی میان مفسران ایجاد شده است و دیدگاه‌های مختلفی را پدید آورده است. درباره اینکه مصداق این گزاره چیست؟ و کدام نوع از انواع زینت را در برمی‌گیرد؟ دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است؛ گروهی آن را به زیبایی جسمانی زن - که ضرورتاً یا عادتاً در معرض دید قرار می‌گیرد - مرتبط ساخته‌اند و گروهی دیگر آن را به زیورآلات زنان مختص دانسته‌اند. پژوهش پیش‌رو در صدد است با بهره‌گیری از توصیف و تحلیل داده‌های منقول و با نظر داشت سیر تاریخی آرای مفسران شیعی - در دوران متقدم، متأخر و معاصر - معنای واژه زینت و دگرسانی به وجود آمده در آن را به دقت واکاوی کند و زمینه‌های این تطور را با اتکا به اقوال نقل شده و سیر یادشده بررسی نماید.

۱. و به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند و زینت خود را [مانند لباس‌های زیبا، گوشواره و گردن بند] مگر مقداری که [طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت] پیدا است [در برابر کسی] آشکار نکنند و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه‌های خود را به روی گریبان‌های‌شان بیندازند و زینت خود را آشکار نکنند، مگر برای شوهران‌شان، یا پدران‌شان، یا پدران شوهران‌شان، یا پسران‌شان، یا پسران شوهران‌شان، یا برادران‌شان، یا پسران برادران‌شان، یا پسران خواهران‌شان، یا زنان [هم کیش خود] شان، یا بردگان زرخیزشان، یا خدمتکاران‌شان از مردانی که ساده لوح و کم‌عقل هستند و نیاز شهوانی حس نمی‌کنند، یا کودکانی که [به سن تمیز دادن خوب و بد نسبت به امیال جنسی] نرسیده‌اند.



در باره مفهوم زینت در منابع شیعی با تأکید بر بررسی سیر تطور آن، تا کنون اثری تخصصی، مستقل و جامع نگاشته نشده است؛ اما مقاله‌های زیر را می‌توان تا حدی نزدیک به موضوع مورد بحث برشمرد: «بررسی حدود پوشش زنان در آیه اخفاء زینت» اثر گل محمدی و کمالی (مطالعات تفسیری، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۷)؛ «نقد و بررسی آرا و شبهات نوگرایان پیرامون آیه اخفاء زینت (نور: ۳۱)» تألیف گل محمدی و فاکر میدی (قرآن‌شناخت، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸)؛ «بررسی دیدگاه‌های تفسیری آیات حجاب و مجرمانه بودن عدم رعایت حجاب شرعی» از سراقی و خزایی (پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۷)؛ «پوشش زن جاهلی و امکان حجاب شرعی در عصر پیامبر ۹» نوشته عشایری منفرد (مطالعات جنسیت و خانواده، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳).

نوآوری این مقاله نسبت به آثار یادشده این است که سیر تطور معنایی و مفهومی زینت از نظر لغوی و اصطلاحی در منابع شیعه را بررسی و تحلیل می‌کند و در این راستا از منابع تفسیری و به‌ویژه منابع روایی کهن تا معاصر شیعه بهره می‌گیرد تا روند تحول معنایی این واژه - در صورت وجود - و تفسیر آن نمایان شود.

۱. بررسی توصیفی تغییر نگرش در معنای «زینت» در نگره‌های مفسران شیعی

آنچه در ادامه می‌آید، توصیف و گزارش نگره‌های مفسران درباره زینت به ترتیب سیر تاریخی - بر اساس داده‌های موجود - است تا با امعان نظر در سیر مزبور، تطور معنایی - در صورت وجود - روشن گردد.

۱-۱. تفاسیر قرن ۲ و ۱

نویسنده تفسیر تنویر المقباس، زینت را به معنای زیورآلات مانند «الدملوج و الوشاح» (حمایل و بازوبند) دانسته است (ابن عباس، ۱۴۲۵ق: ۳۷۱). در تفسیر مقاتل بن سلیمان، زینت از نوع لباس و به معنای جلیاب برشمرده شده است و در تفسیر «لا یبدین زینتهن» آمده است: «لا یضعن الجلیاب» (جلیاب را کنار نگذارند) (= درنیاورند). همچنین نویسنده در تفسیر «لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها» می‌نویسد: «الوجه، الکفین و موضع السوارین» (= بخش محدودی از ساق که زیورآلات بر آن سوار می‌شود و منظور از سوار، النگو و حلقه است) (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۱۹۶/۳). وی در شأن نزول آیه نیز





آورده است: «این آیه درباره ابصار و فروج نازل شد. داستان از این قرار بود که اسماء بنت مرشد، در بنی حارثه، درخت نخلی به نام وعل داشت و زنان بدون اینکه خود را بپوشانند و با سینه و پاهای بدون پوشش و موهای باز وارد آن می‌شدند.» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۱۹/۳).

نویسنده تفسیر ابوالجارود، زینت را به معنای پوشش، زیورآلات و آرایش تفسیر کرده و نوشته است: «زینت به معنای، لباس، سرمه، انگشتر، حنای دست، دستبند است. زینت سه گونه است: زینت برای مردم، زینت برای محارم و زینت برای همسر؛ مواردی که بیان شد، برای مردم بود، اما زینت محارم، موضع گردن‌بند و بالای آن و موضع دملج و خلخال و پایین آن است و زینت همسر، کل بدن است» (علیزاده، ۱۳۹۲: ۱۴۶). در دیگر اقوال تفسیری مربوط به این دو قرن - که در دوران معاصر توسط محققان گردآوری شده است - درباره زینت مطلبی یافت نشد.

۱-۲. تفاسیر قرن ۳ و ۴

در تفسیر تستری، بدون اینکه سخنی درباره زینت گفته شود، تفسیری بسیار کوتاه از آیه ارائه شده است (تستری، ۱۴۲۳ق: ۱۱۱/۱). در تفسیر الحبری هیچ سخنی درباره این واژه نیامده است. در تفسیر قمی نیز همان سخن ابوالجارود تکرار شده است که پیشتر گفته شد (قمی، ۱۳۶۳: ۱۰۱/۲).

در تفسیرهای شیعی قرن چهارم مانند تفسیر فرات کوفی، تفسیر عیاشی، تفسیر نعمانی و غیره به خاطر ناقص بودن تفسیر و موجود نبودن تفسیر سوره نور، مطلبی درباره زینت و معنای آن وجود ندارد.

۱-۳. تفاسیر قرن ۵

شیخ طوسی در التبیان، به نقل از ابن عباس درباره معنای زینت می‌نویسد: «یعنی گوشواره و گردن‌بند و دستبند و خلخال و بازوبند؛ جایز است که زن اینها را به غیر شوهر نشان دهد و در مورد موها، نشان دادن آن جز به شوهر جایز نیست» (طوسی، بی‌تا: ۴۲۹/۷). وی در ادامه به نقل از ابن مسعود می‌نویسد: «زینتی که از آشکار کردن آن نهی شده، دو نوع است: زینت ظاهری، لباس است و زینت پنهانی، خلخال و گوشواره و دستبند است». و از قول ابراهیم می‌آورد: «زینت ظاهری که اجازه آشکار کردنش داده شده، تنها لباس است». در روایت دیگری از ابن عباس نقل می‌کند: «زینتی که می‌تواند آشکار شود عبارت است از: سرمه،



گردنبند و گوشواره، اما زینت باطنی واجب است که پوشانیده شود و جز برای کسانی که استثنا شده‌اند، نباید اظهار شود. از شعبی پرسیده‌اند چرا خداوند عموها و دایی‌ها را جزء مستثنیات نیاورده است؟ گفت: به این جهت که عمو زینت‌های آنها را برای پسرش توصیف نکند... بیان زینت بدون بیان موارد آن، به خاطر مبالغه در پوشش است؛ زیرا این زینت‌ها در جاهایی از بدن قرار دارد که برای غیراشخاص یادشده جایز نیست به آنها نگاه کنند» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۰۵/۴-۳۰۶).

ابوالفتوح رازی در تفسیر روض الجنان و روح الجنان - تقریباً بدون تفاوت با تفسیرهای قبل - چنین آورده است: «علما اختلاف کردند در آن زینت ظاهر [که] خدای استثنا کرد آن را و رخصت داد در آن. عبد الله مسعود گفت: جامه است و رداء، و دلیل این تأویل قوله تعالی است: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ... ای ثیابکم». عبدالله عباس گفت و اصحاب او که: سرمه است و انگشتری و دستورنجن و خضاب. ضحاک گفت و اوزاعی: روی است و کف‌های دست. حسن بصری گفت: روی است و جامه...» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۵/۱۴-۱۲۶).

۱-۵. تفاسیر قرن ۷

محمد بن حسن شیبانی در تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن - مانند بسیاری از تفاسیر دیگر - زینت را به نقل از ابن عباس و صحابه و تابعین دیگر، زیورآلات و لباس و آرایش دانسته است (شیبانی، ۱۴۱۳ق: ۴۱/۴). در تفاسیر دیگر مانند دقائق التأویل و حقائق التنزیل، سعد السعود و... به خاطر نقص تفسیر، مطالبی درباره زینت وجود ندارد.

۱-۶. تفاسیر قرن ۸

در تفسیر گازر، زینت به زیورآلات و آرایش تفسیر شده است. دیدگاه‌هایی که وی در تفسیر خویش آورده است همان اقوال و روایت‌هایی است که دیگران نیز نقل کرده‌اند و تفاوتی با آنها ندارد جز آن که ذیل «لایسیدین زینتهن» نوشته است: «به موجب این آیه، حلال نباشد که زنان مؤمن پیش زنان کافر برهنه شوند» (جرجانی، بی‌تا: ۲۹۹/۶) از این سخن چنین برداشت می‌شود که وی زینت را به معنای بدن زن دانسته است. در تفاسیر دیگر این قرن مانند تفسیر المحيط الاعظم تألیف سید حیدر آملی مطلبی درباره زینت وجود ندارد.

۱-۷. تفاسیر قرن ۹

فاضل مقداد در تفسیر کنز العرفان می‌نویسد: «طبق دیدگاه برخی، منظور از زینت، محل

زینت است؛ زیرا نگاه کردن به خود زینت حلال است و برخی دیگر گفته‌اند که منظور، خود زینت است. اما از دیدگاه من، منظور، خود زینت است و حرام بودن نگاه به آن به این خاطر است که اگر نگاه کردن به زینت، حلال باشد، مجوزی برای نگاه کردن به محل قرارگیری زینت نیز به‌شمار می‌آید... درباره زینت ظاهری نیز نظرها مختلف است؛ از نگاه برخی فقط لباس را دربرمی‌گیرد و این دیدگاه از نظر من درست است؛ زیرا از نظر فقیهان، تمام بدن زن عورت به‌شمار می‌آید. بر این اساس، مراد از زینت های باطنی، خلخال و دستبند و گوشواره و تمام زیورآلاتی است که مباشر بدن است و نگاه کردن به آن، مستلزم نگاه کردن به خود بدن است... اما دیگر دیدگاه‌ها که گفته‌اند منظور از آن، وجه و کفین و سرمه و حنا و انگشتر است، از نظر ما ضعیف هستند» (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق: ۲/۲۲۲).

در تفسیر مواهب علیه فی تفسیر القرآن ملا حسین واعظ کاشفی سبزواری آمده است: «وَلَا يُبْدِينَ وُجُوهَهُنَّ وَلَا زِينَتَهُنَّ؛ آرایش خود را از پیرایه‌ها و جامه‌ها و رنگ‌ها و جز آن ... وَ لَا يُبْدِينَ وُجُوهَهُنَّ وَلَا زِينَتَهُنَّ؛ مواضع زینت خود را چون سر و ساعد و سینه و ساق که موضع تاج و دستوانه و گردن‌بند و خلخال است» (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱/۷۷۶).

دیگر تفاسیر مانند جواهرالتفسیر، اعجاز البیان فی تفسیر ام القرآن و غیره به سبب جامع نبودن و تفسیر نکردن همه سوره‌های قرآن، مطلبی درباره زینت نداشتند.

۸-۱. تفاسیر قرن ۱۰

مقدس اردبیلی در زبدة البیان فی احکام القرآن نوشته است: «منظور از زینت، مواضع زیورآلات است و صحیح آن است که کل عضو، زینت باشد، نه فقط آن مقداری که زیورآلات روی آن قرار گرفته است، همانطور که زینت، به «مواضع زینت‌های پنهان» نیز تفسیر شده است... مواضع زینت ظاهری عبارتند از: سرمه در چشم، خضاب بر ابرو، رنگ بر گونه‌ها، انگشتر و حنا بر دست و پا... این مواضع اجازه داده شده است آشکار باشند؛ زیرا پنهان کردن این زیورآلات و آرایش‌ها حرج است». از نظر مقدس اردبیلی، منظور از زینت، مواضع زینت‌های پنهان است. (مقدس اردبیلی، بی تا: ۵۴۴-۵۴۵)

ابوالفضل فیضی دکنی در سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، زینت را محل قرارگیری زینت تفسیر می‌کند (فیضی دکنی، ۱۴۱۷ق: ۴/۵۵). حسینی جرجانی در آیات الاحکام خود می‌نویسد: «زینت عبارت است از چیزهایی که سبب تزئین و تجمل شود؛ خواه ظاهر باشد مانند جامه‌های نفیس و خواه باطن مانند خلخال و انگشتری و حلقه. و ظاهر آن است





که مراد، نهی از اظهار باطنی است؛ زیرا که مؤدی می شود به شهوت و میل طبیعت به خلاف زینت ظاهری. و بعضی گفته اند که مراد، مواقع زینت است به حذف مضاف و این خلاف ظاهر است و احتیاج نیست بدان. (جرجانی، ۱۳۶۲: ۳۶۱/۲)

ملا فتح الله کاشانی در منهج الصادقین نوشته است: «وَلَا يُبَدِّينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا آن است که مواضع زینت را از برای غیر محرم و هر که در حکم آن است، ظاهر نکنند و مراد، نفس زینت نیست؛ زیرا روایت زینت حرام نیست، بلکه دیدن موضع زینت، حرام است و بعضی بر آنند که زینت بر دو قسم ظاهره و باطنه ظاهره واجب نیست ستر آن و حرام نیست نظر به آن و در این سه قول است: یکی آنکه ظاهره ثیاب است و باطنه خلخال و قرط و سوار و این قول ابن مسعود است. دوم آنکه ظاهره کحل است و خاتم و هر دو خد و خضاب کفین و این از ابن عباس روایت است و سوار و کحل و خاتم نزد قتاده. سوم آنکه وجه است و کفان نزد ضحاک و عطا و وجه و بنان نزد حسن...» (کاشانی، ۱۳۳۶: ۶/س ۲۷۵)

در تفسیرهای دیگر مانند تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة و غیره مطلبی یافت نشد.

۹-۱. تفاسیر قرن ۱۱

فیض کاشانی در تفسیر صافی و بحرانی در البرهان و حویزی در نور الثقلین، زینت را -بر اساس روایات متعددی که نقل می کنند- به معنای زیورآلات، لباس و آرایش و نیز به معنای موضع زینت بیان می کنند، اما دیدگاه نهایی و نظر شخصی خود را درباره آن ارائه نمی دهند و به نقل اقوال بسنده می کنند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳/۴۳۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۴/۶۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۳/۵۹۳).

فاضل جواد در مسالک الافهام الی آیات الاحکام، زینت را به معنای مواضع زینت و زینت های پنهانی تفسیر کرده است (فاضل جواد، ۱۳۶۷: ۳/۲۷۲-۲۷۵)

شریف لاهیجی در تفسیر خود دیدگاه های مقدس اردبیلی و دیگران را بیان می کند و در نهایت، زینت را به معنای زینت های پنهانی و مواضع زینت می داند (اشکوری، ۱۳۷۳: ۳/۲۷۸-۲۷۹).

در تفسیرهای دیگر مانند تفسیر المعین مرتضی کاشانی، آیات الاحکام استرآبادی و غیره مطلبی یافت نشد.

۱-۱۰. تفاسیر قرن ۱۲

از تفاسیر قرن دوازدهم، مشهدی قمی در تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب چنین می‌نویسد: «ظاهراً منظور از زینت آن چیزهایی است که زنان را آراسته می‌کند و هم زیورآلات، هم لباس و هم مواضع زیورآلات را دربرمی‌گیرد. بر این پایه، معنای آیه چنین است: نباید زینت‌شان را آشکار کنند جز آنچه از آن آشکار است که همان زیورآلات و لباس است، اما آشکار کردن مواضع زینت، حرمت دارد (مشهدی قمی، ۱۳۶۸: ۲۸۲/۹). وی پس از بیان دیدگاه خویش، روایات مربوطه را نقل می‌کند که همان روایاتی است که پیشتر در البرهان و نورالثقلین و غیره بیان شد. دیدگاه او در واقع تلخیص همان روایات است.

تفسیر دیگر مربوط به این قرن، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز تألیف علی بن حسین عاملی است که می‌نویسد: «منظور از زینت، جواهرات، لباس‌ها و رنگ‌های آرایشی و مواضع آنهاست». وی به بیان دیدگاه دیگر نیز می‌پردازد و می‌نویسد: برخی گفته‌اند منظور از زینت، مواضع زینت است جز وجه و کفین. و تفسیر قمی، مستثنی را کف و انگشتان دانسته است. (عاملی، ۱۴۱۳ق: ۳۸۲/۲).

۱-۱۱. تفاسیر قرن ۱۳

شیر در تفسیر الجوهر الثمین و نیز در تفسیر القرآن الکریم، همان اقوال عاملی در الوجیز و دیگران را تکرار می‌کند و در توضیح اجمالی زینت، آن را زینت‌های پنهانی معنا می‌کند (شیر، ۱۴۰۷ق: ۳۱۱/۴).

شوکانی در فتح القدیر نوشته است: «منظور از زینت، آن چیزهایی است که زن خود را با آن می‌آراید مانند جواهر و غیره. وی سپس به بیان دیدگاه‌های مختلف درباره زینت می‌پردازد و بدون رد یا تأیید آنها، از کنارشان می‌گذرد (شوکانی، ۱۴۱۴ق: ۲۷/۴).

۱-۱۲. تفاسیر قرن ۱۴

مغنیه در التفسیر الکاشف می‌نویسد: «منظور از زینت، موضع زینت است؛ زیرا نگاه کردن به زینت به خودی خود، ندارد و منظور از زینت ظاهری، فقط وجه و کفین است. فقها به این آیه برای وجوب حجاب استدلال کرده‌اند و اینکه تمام بدن زن عورت به‌شمار می‌آید جز آنچه از آن استثنا شده است. وی سپس به نقلی از امام صادق علیه السلام استناد می‌کند مبنی بر اینکه غیر از وجه و کفین، تمام بدن زن زینت به‌شمار می‌آید (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۴۱۵/۵).» وی در تفسیر المبین نیز همین دیدگاه را تکرار می‌کند (مغنیه، بی تا: ۴۶۱/۱).





گنابادی در تفسیر بیان السعاده، همان نکات تفاسیر قبلی را - بدون افزودن نکته‌ای جدید- بیان می‌کند. وی پس از دسته‌بندی زینت، زینت ظاهری را به لباس‌های رویی و مواضع زینت معنا می‌کند (گنابادی، ۱۴۰۸ق: ۱۱۶/۳).

حسینی شیرازی در تقریب القرآن و نیز در تفسیر المبین، زینت را به مواضع زینت یا خود زینت معنا کرده است (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق: ۶۹۷/۳).

حسینی همدانی در انوار درخشان نوشته است: «زینت و مواضع زینت خود را پنهان نمایند از مردم اجنبی جز آنچه که ظاهر و آشکار است و مراد از زینت، مواضع زینت است نه طلا و آلات زیور و زینت که موردحرمت نخواهد بود و مراد از ظاهر، رخسار و دو دست و پا است» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ۳۵۸/۱۱-۳۵۹).

حسینی شاه عبدالعظیم در تفسیر اثنا عشری نوشته است: «مراد از زینت، زینت باطنه یا مواضع زینت است؛ مانند سر، بازو، سینه، ساق پا و دست» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۳۴/۹).

در تفسیر خسروی آمده است: «مواضع و محلّ زینت‌های خودشان را (برای نامحرمان و هر کس که در حکم نامحرمان است) آشکار نسازند مگر آنچه از آنها ظاهر و آشکار است (و مفسّرین گفته‌اند که زینت دو نوع است (زینت ظاهری و زینت باطنی) و لذا پوشانیدن زینت ظاهری واجب نیست و نظر بر آنها هم حرام نیست و در موضوع زینت سه قول است. ۱- بروایت ابن مسعود زینت ظاهری لباس است و باطنی که ستر آن واجب است خلخالهای دو پا و دو گوشوار و دو دستبند. ۲- بقول ابن عباس ظاهری سرمه و انگشتری و خضاب کفّ است و بقول قتاده سرمه و دستبند و انگشتری. ۳- بقول ضحاک و عطا زینت ظاهر صورت و دو کفّ دست و بقول حسن صورت و انگشتان.» (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۶، ص ۱۷۶)

عاملی در تفسیر خویش سخن جدیدی نمی‌گوید و اقوال دیگران را نقل می‌کند؛ برای مثال به نقل از طبری می‌نویسد: «آرایش و زینت زن دو دسته است؛ یکی پوشیده که گوشواره و دستبند است و دیگری نمودار که لباس باشد و مقصود از «ما ظهر» لباس است که نمودار است. سعید بن- جبیر و عطا و قتاده گفته‌اند: مقصود از این جمله این است که جایز است نمودار کردن زینت‌های ظاهر و نمودار که صورت و دستبند و گوشواره باشد، و ابن جریر نقل کرده است از عایشه که پیغمبر ۹ فرمود: چون زن به‌دوران قاعدگی رسید،

روا نیست بر او که چیزی از بدن خود نمودار کند، مگر صورت خود را و آن گاه به مقدار یک قبضه از بند دست بالاتر، دست خود را گرفت و فرمود از این به پایین را و مقصود این است که کف دست و انگشتان نیز پوشیدنش لازم نیست.» (عاملی، ۱۳۶۰: ۳۲۵/۶)

نهایندی در نفحات الرحمن آورده است: «منظور از زینت، زیبایی‌هایی است که خداوند به زنان داده است.» وی سپس به بیان روایاتی که پیشتر نقل گردید، می‌پردازد (نهایندی، ۱۴۲۹ق: ۴/۴۲۹).

حائری تهرانی در مقتضیات الدرر نوشته است: «منظور از زینت، مواضع زینت است... زینت اسمی است برای زیبایی که خداوند خلق کرده است و نیز برای چیزهایی که انسان خود را با آن آراسته می‌کند مانند جواهرآلات و غیره به کار می‌رود (حائری تهرانی، ۱۳۷۷: ۳۳۵/۷).

سبزواری نجفی در الجدید و نیز در تفسیر دیگرش به نام ارشاد الاذهان، در بیان معنای زینت، بر مواضع زینت تأکید می‌کند و می‌نویسد: «یعنی آشکار نمی‌کنند مواضع زینت را برای غیر محرمان.» (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ق: ۵/۱۰۸)

دخیل در الوجیز، ابتدا زینت را به مواضع زینت معنا می‌کند و سپس ذیل «لا یبدین زینتهن» آن را به معنای جلباب و خمار تفسیر می‌کند (دخیل، ۱۴۲۲ق: ۱/۴۶۶).

۱۳-۱. تفسیرهای قرن ۱۵

در این قرن، بیشتر مفسران، زینت را به موضع زینت یا بدن تفسیر کرده اند که اقوال آنها در ادامه خواهد آمد. جوادی آملی زینت را به محل زینت تفسیر می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۵۸؛ همو، ۱۳۸۹: ۲۱/۵۳۷؛ همان: ۱۷/۶۲۸).^۱ مفسر دیگر، کریمی حسینی در تفسیر علیین، زینت را به محل زینت تفسیر کرده است (کریمی حسینی، ۱۳۸۲: ۱/۳۵۳). کریمی حویزی در التفسیر لکتاب الله المنیر، زینت را به بدن زنان که محل قرارگیری زینت است (موضع زینت‌های پنهانی) معنا کرده است (کریمی حویزی، ۱۴۰۲ق: ۶/۱۰۴).

رفسنجانی در تفسیر راهنما، زینت را به بدن زن و زیورآلات تفسیر می‌کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۲/۱۸۷). صادقی در الفرقان، برای زینت معنایی عام بیان می‌کند و آن را در بردارنده تمام زیبایی‌های ذاتی و عرضی می‌داند، به گونه‌ای که زیبایی‌های جسمی زن،

۱. وی در چند موضع به این معنا اشاره می‌کند چنان که در یک موضع نوشته است: نهی از ابداء زینت در جمله «لا یبدین زینتهن» مبالغه در نهی از ابداء موضع زینت است (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۱/۵۳۷)



زیورآلات و آرایش‌ها را دربرمی‌گیرد (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۰۹/۲۱).

علامه طباطبایی در المیزان، زینت را به محل زینت تفسیر می‌کند و می‌نویسد: «مراد از زینت زنان، مواضع زینت است؛ زیرا اظهار خود زینت مانند گوشواره و دست‌بند حرام نیست، پس مراد از اظهار زینت، اظهار محل آنها است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵۶/۱۵).

فضل الله در من وحی القرآن، زینت را به مواضع زینت پنهانی معنا می‌کند و می‌نویسد: «مقصود از زینت در اینجا، مواضع زینت است؛ زیرا آشکار کردن زیورآلات به خودی خود، حرمتی ندارد. بر این اساس، نهی از اظهار زینت، کنایه از اظهار مواضع آن است؛ زیرا پوشاندن زینت، از پوشاندن محل قرارگیری آن جدا نیست» (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۳۰۰/۱۶).

مدرسی در من هدی القرآن، زینت را به بدن زن و زیورآلات پنهانی تفسیر می‌کند (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۳۰۲/۸-۳۰۳). عبدالحسین طیب در تفسیر اطيّب البیان فی تفسیر القرآن، همان روایت ابوالجارود را که پیشتر بیان شد، نقل می‌کند و سخن دیگری به آن نمی‌افزاید (طیب، ۱۳۷۸: ۵۲۲/۹).

مفسران دیگری که این دیدگاه را بیان کرده‌اند، چنین گفته‌اند:

«زینت زنان دو جور است؛ یکی زینت‌هایی است که تا زن آنها را آشکار نکند، آشکار نمی‌شوند؛ مانند گوشواره، گردنبند، خلخال، موی سر، لباس‌های زینتی که زن از زیر لباس ظاهری می‌پوشد و مانند آن. آشکار کردن این زینت‌ها به حکم «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» حرام است، البته آن گاه که زن آنها را پوشیده باشد وگرنه نشان دادن آنها به تنهایی حرام نیست. دیگر احتیاج نیست که بگوییم مراد از زینت، مواضع زینت است. دیگری زینت‌هایی است که قهراً برای رفع نیازهای مادی آشکار می‌شوند، مانند سرمه چشم، خضاب دست، انگشتر، لباس تازه که زن از رو پوشیده است و مانند آن، مثلاً زن اگر قسمتی از صورت خود را نیز پوشیده باشد موقع راه رفتن یا خریدن چیزی سرمه چشم او دیده خواهد شد، یا موقعی که می‌خواهد جنسی را از جا بردارد خضاب دست و انگشترش دیده خواهد شد و مانند آن، علی هذا بحکم «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» پوشاندن این زینت‌ها واجب نیست» (قرشی، ۱۳۷۷: ۲۱۱/۷).

در تفسیر نمونه آمده است: «بعضی زینت پنهان را به معنی زینت طبیعی (اندام زیبای زن) گرفته‌اند، درحالی‌که کلمه «زینت» به این معنی، کمتر اطلاق می‌شود. بعضی دیگر

آن را به معنی «محل زینت» گرفته‌اند؛ زیرا آشکار کردن خود زینت مانند گوشواره و دستبند و بازوبند به تنهایی مانعی ندارد، اگر ممنوعیتی باشد مربوط به محل این زینت‌ها است، یعنی گوش‌ها و گردن و دست‌ها و بازوان. بعضی دیگر آن را به معنی خود «زینت‌آلات» گرفته‌اند منتها درحالی‌که روی بدن قرار گرفته‌اند، و طبیعی است که آشکار کردن چنین زینتی همراه با آشکار کردن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد. (این دو تفسیر اخیر از نظر نتیجه یکسان است؛ هر چند از دوراه تعقیب می‌شود). حق این است که ما آیه را بدون پیش‌داوری و طبق ظاهر آن تفسیر کنیم که ظاهر آن همان معنی سوم است و بنابراین زنان حق ندارند زینت‌هایی که معمولاً پنهانی است، آشکار سازند هر چند اندام‌شان نمایان نشود و به این ترتیب آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی که زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند، مجاز نیست؛ قرآن از ظاهر ساختن چنین زینت‌هایی نهی کرده است...» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴/۴۴۰).

سیده نصرت امین در مخزن العرفان می‌نویسد: «در کلمه زینتین دو قید مأخوذ است؛ یکی اعضای بدن که محل زینت است و دیگر، آن اشیایی مانند گوشواره و دستبند و گردنبند و امثال آنها. هر چیزی که زن به آن آراسته می‌گردد و بر حسن و زیبایی وی می‌افزاید و هیچ یک به تنهایی بدون دیگری، از مصادیق زینت به شمار نمی‌آید» (امین، ۱۳۶۱: ۱۰۴/۹)

ثقفی تهرانی در روان جاوید می‌نویسد: «آشکار نکنند زینت و آرایش خودشان را مگر آن مقداری که معمولاً آشکار است از آنها و ظاهراً مراد، خود پیرایه و آرایش و زینت باشد مادامی که متّصف به وصف زینت است. مثلاً گوشواره در گوش و دست‌بند به دست باشد نه در نزد زرگر و بنابراین لازم نیست گفته شود مراد مواضع زینت یا مواضع مشغول به زینت یا زینت شاغل مواضع است که گفته‌اند چون اگر در جای خود نباشد، زینت فعلی نیست و اگر احیاناً زینت بر آنها اطلاق کنند، به اعتبار قابلیت است که زینت به آنها حاصل شود» (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق: ۲۲/۴)

تفسیرهای دیگر مانند الموسوعة القرآنية، پیام قرآن و غیره زینت را تفسیر نکرده‌اند. در برخی از پژوهش‌های معاصر نیز بر همین دیدگاه تأکید شده است، چنان‌که بهبودی در این باره می‌نویسد: «در فرهنگ قرآن، همواره کلمه زینت در مورد زینت‌های طبیعی به کار رفته است و از زیورآلات زنانه به نام حلیه یاد می‌شود که مانند لباس، جنبه عاریتی دارد. بنابراین در آیه حجاب نیز همان زینت‌های طبیعی خدایی مراد است» (بهبودی، بی‌تا: ۴۸۸).





برای ایجاد نظم نوشتاری و ساختاری، جمع بندی نظریات را در قالب جدول ارائه

می‌دهیم:

معنای غالبی زینت	قرن
زیورآلات- پوشش	اول و دوم
زینت ظاهری (پوشش، جواهر و آرایش): زینت محارم (موضع جواهر) - زینت همسر (کل بدن)	سوم
مطلبی یافت نگرید	چهارم
تقسیم‌بندی زینت به: زینت ظاهری و زینت پنهانی. در این قرن، زینت درباره جواهر، لباس، مو و نیز بدن - با صبغه کمتری - به کار رفته است و به آرایش نیز اشاره شده است.	پنجم
در این قرن نیز زینت را به اقسامی تقسیم کرده‌اند و آن را برای جواهر، لباس، آرایش و نیز زینت طبیعی بدن - با صبغه کمتری - به کار برده‌اند.	ششم
در این قرن، زینت را به معنای زیورآلات، لباس و آرایش دانسته‌اند.	هفتم
زینت را به زیورآلات و آرایش معنا کرده‌اند.	هشتم
در این قرن، زینت را به معنای زیورآلات، آرایش و پوشش‌های رنگین به کار برده‌اند، اما بر زینت بودن بدن زن نیز تأکید شده است.	نهم
در این قرن گرچه همان دسته‌بندی‌ها و مصادیق یادشده را بیان می‌کنند، اما بر زینت بودن کل یا بخشی از بدن زن (مواضع زینت) تأکید می‌کنند.	دهم
در این قرن، بر زینت بودن بخشی از بدن زن (مواضع زینت) تأکید شده است.	یازدهم
در این قرن، همان معانی قبل بیان شده است، اما بیان موضع زینت فراوانی بیشتری دارد.	دوازدهم
چیزهایی که زن خود را با آن می‌آراید.	سیزدهم
زینت در این قرن، به مواضع زینت که بخشی از بدن زن است و نیز به زیبایی‌های بدن زن تفسیر شده و معانی دیگر کمرنگ مطرح شده است.	چهاردهم
در این قرن، به زینت بودن بدن زن تأکید شده است و بیشتر نظریات بر حول این محور می‌چرخد که منظور از زینت، موضع زینت است و آنان که زینت را اعم از جواهر و بدن دانسته‌اند، مسئله تبرج و تحریک شهوت را مطرح کرده‌اند.	پانزدهم

چنان که مشخص شد، معنایی که مفسران شیعی برای زینت بیان کرده‌اند، در قرن‌های نخستین بیشتر زینت‌های عارضی و غیر طبیعی را در بر می‌گیرد، اما رفته‌رفته در قرن‌های بعد

و به‌ویژه در قرن‌های چهاردهم و پانزدهم، تأکید بر عورت بودن تمام بدن زن و تفسیر زینت به زیبایی‌های جسمانی زن قوت می‌گیرد و حتی کسانی که زینت را به خود زیورآلات تفسیر کرده‌اند، بر این نکته تأکید کرده‌اند که دیدن زینت بدون دین موضع زینت، معنایی ندارد و کسی که جواهر قرار گرفته است بر روی بدن را می‌نگرد، قطعاً چشمش به موضعی که جواهر روی آن قرار گرفته است و نیز قسمت‌های اطراف آن می‌افتد و تحریک‌زا است.

۲. زمینه‌های تغییر نگرش به معنای «زینت» از زینت عارضی به عورت‌انگاری

با توجه به بحث‌های پیشین، معانی زینت چنین است: «زیور آلات و آرایش»؛ «پوشش و جامه‌های زیبا»؛ «بخشی از بدن» (محل زینت)؛ «تمام پیکر و اندام». تا قرن هشتم، تأکید علما و فقها بر زینت‌های عارضی است و تا قبل از قرن هشتم - به‌طور کلی و چنانکه در بحث پیشین نیز مشاهده شد - فقیهان شیعی درباره‌ی واجب بودن یا واجب نبودن پوشاندن موی سر - که در راستای عورت بودن و زینت بودن بدن زن قرار می‌گیرد - سخن خاصی مطرح نکرده‌اند (نک: نجفی، ۱۹۸۳م: ۲۰۰/۳) اما از اواخر دوران صفویه (۹۰۷-۱۱۴۸ق) تا دوران معاصر، علمای شیعی به سمت عورت‌انگاری بدن زن میل یافته‌اند. علت این مسئله را در چند چیز می‌توان جست‌وجو نمود که به اجمال - و به اندازه‌ی حجم مقاله - به آن پرداخته می‌شود:

۲-۱. تقابل با خوانش نواندیشانه از مسئله حقوق زن

یکی از مسائلی که در خوانش فمینیستی و نواندیشانه از دین وجود دارد، مربوط به حقوق زن و مرد است. در این قرائت، زن و مرد موجودی کاملاً برابر با احکامی مساوی پنداشته می‌شوند و این تساوی در مسائل پوششی نیز باید وجود داشته باشد (نک: جان احمدی، افشاری فر و آقاجری، ص ۹۰-۹۴). از جمله این افراد، ابوزید است که در نقد دیدگاه بنت‌الشاطی درباره‌ی پوشش زنان می‌نویسد: «ما می‌پنداریم که به دلیل نسخ برده‌داری، موضوع و علت تشریح حجاب در عصر امروز منتفی است و دیگر دلیلی وجود ندارد که پوششی معین به زنان تحمیل شود» (ابوزید، ۱۳۹۷: ۱۰۹).

مفسران سنت‌مدار معاصر، به عورت‌انگاری زن صبغه و نمود روشن‌تری بخشیدند تا با تأکید بر عدالت‌محوری (و نه تساوی‌محوری) در بحث جنسیت، در تقابل با نگره‌ی یادشده، رویکردی منتقدانه برگزینند و بر این مطلب تأکید کنند که جنس زن و بدن او به‌هیچ‌وجه با جسم مرد برابر نیست، بلکه باید با این دو جنس، برخوردی متفاوت داشت.





۲-۲. خوانش مردسالارانه از احکام

عامل دیگری که رد پای آن را در تبیین عورت‌انگارانه از زن می‌توان مشاهده کرد، خوانش مردسالارانه از احکام است. به ویژه آنکه این دیدگاه - تقریباً - از دوران صفویه پا گرفته است که محلی برای نفوذ فقیهان و مفسران مرد بوده است. بنابر این عامل، مردان از نگاه خود و با توجه به ویژگی‌های جسمانی و هویتی خویش و با محوریت بخشی به خود، آیات مربوط به زنان را تفسیر می‌کنند. با توجه به کم‌ارزشی زن در دوران متقدم^۱، مسئله بودن زن در آن دوران مطرح نبوده است، اما با گذشت زمان، این مسئله بودن خود را نشان می‌دهد و بازاندیشی در تفسیر زن و احکام مرتبط با آن در دستور کار فقیهان مرد قرار می‌گیرد.

۲-۳. آسیب‌زدایی از حضور فعال اجتماعی زن در دوران معاصر

از جمله مسائل دیگری که سبب شد در دوران متأخر نوع نگاه به زن و تبیین قضایای مرتبط با آن تغییر یابد، ارتقای جایگاه زن به‌عنوان موجودی همتای مردان است. در دوران صدر اسلام، بنابر شواهد تاریخی، زن، جایگاهی پایین داشت و این جایگاه به تدریج رشد کرد تا اینکه در دوران متأخر و به‌ویژه دوران معاصر، زنان در کنار مردان موجودیتی پر رنگ و نمود یافتند و این ارتقای شخصیت موجب شد احکام مرتبط با آنان - که بیشتر توسط اندیشمندان مرد وضع شده است - نیز دچار تغییر و تحول یابد. دگرسانی نگرشی معنای زینت، از زینت‌های عارضی به سمت عورت‌انگاری زن، می‌تواند در همین راستا تفسیر شود؛ زیرا با توجه به حضور فعال زنان در عرصه اجتماعی و کثرت اختلاط با مردان در محیط‌های شغلی و غیرشغلی، عورت‌انگاری زن و در نتیجه تلاش برای حفظ حریم و پوشش، نگاهی بود که می‌توانست آسیب‌های ارتباط‌ها و اختلاط‌های اجتماعی را تقلیل دهد.

۲-۴. ارائه راهکار برای حفظ حریم جنسی

این عامل نیز در راستا و ادامه عوامل قبل قرار دارد. بر این پایه، فقیهان و مفسران مرد با محوریت بخشی به جنس مذکر و با توجه به ویژگی‌های جنسی مربوط به مرد - که یکی از آنها، تحریک شدن از طریق چشم است - برای اینکه خود را از گناه حفظ کنند و زنان، سبب

۱. رویکرد مردسالارانه را می‌توان به دو دوران قدیم و معاصر تقسیم نمود: رویکرد سنتی بنیادگرای قدیم و رویکرد سنتی بنیادگرای جدید. بزرگ‌ترین تفاوت این دو آن است که برخی از متقدمین، زن را مادون انسان می‌دانستند. مشخصه‌های رویکرد سنتی بنیادگرای جدید عبارتند از: ۱. اصول‌گرایی؛ ۲. حقوق‌محوری و تکلیف‌محوری؛ ۳. اجتهادگرایی و روش‌مندی در فهم دین؛ ۴. خلوص‌گرایی و التقاط‌ستیزی؛ ۵. گذشته‌گرایی (نک: مهریزی، ۱۳۸۷: ۵۵-۶۰)

آزار جنسی و جسمی آنان نشوند، عورت‌انگاری تمام بدن زن را مطرح کرده و بر آن تأکید نموده‌اند. این تأکید در دوران معاصر، به سبب مسائلی است که در این برهه در حیطه پوشش زنان و تمایل به برهنگی رخ داده است. به بیان دیگر، عورت‌انگاری زن در نگره‌های مفسران سنت مدار معاصر، راهکاری است تا از طریق آن، پوشش حداکثری را برای جنس زن در نظر بگیرند و از این طریق بتوانند با چالش‌های عصر مدرن در زمینه اشاعه فحشا، چالش‌های جنسی و در نتیجه، متزلزل شدن بنیادهای خانوادگی مقابله و مبارزه کنند.

نتیجه‌گیری

با توجه به این فرضیه که در واژه «زینت» دگرسانی معنایی صورت گرفته است، در این مقاله واژه یادشده را بررسی و تحلیل کردیم. در نهایت به این نتیجه دست یافتیم که با توجه به آثار و داده‌های موجود، نگره‌های مفسران متقدم شیعی درباره معنای زینت، حول محور زینت‌های عارضی و غیرطبیعی - یعنی زیورآلات و پوشش‌های زیبا - می‌گردد، اما در سده متأخر، عورت‌انگاری تمام بدن زن و تفسیر زینت به زیبایی‌های جسمانی زن به تدریج بروز و ظهور می‌یابد. در دوران معاصر، این نگره، نمود بسیار پیدا می‌کند، به نحوی که حتی در دیدگاه کسانی که زینت را به خود زیورآلات تفسیر کرده‌اند، بر این نکته تأکید شده است که دیدن زینت بدون دیدن موضع زینت (بخشی از بدن)، معنا ندارد و کسی که جواهر قرار گرفته روی بدن را می‌نگرد، قطعاً چشمش به موضعی که زیورآلات روی آن قرار گرفته و نیز قسمت‌های اطراف آن نیز می‌افتد و همین امر به افزایش شهوت می‌انجامد. درباره زمینه‌های این دگرسانی نگرشی می‌توان به این موارد اشاره کرد: «تقابل خوانش سنت‌محور با خوانش متطورانه و نواندیشانه از مسئله حقوق زن»، «حضور اجتماعی فعال زن در عصر معاصر»، «خوانش مردسالارانه از آیات» و «ارائه راهکار برای حفظ حریم جنسی». ناگفته نماند این نگاه - بر مبنای فرضیه پیش‌گفته - به دنبال نشان دادن تغییر نگرش حداکثری تفسیر پژوهان در تفسیر واژه زینت بر اساس سیر تاریخی بوده است، اما - بر اساس یافته‌های پژوهش - رخ داد دگرسانی معنایی در این واژه را نمی‌توان با قطعیت ابراز نمود.

فهرست منابع

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (بی‌تا)، متشابه القرآن و مختلفه، قم: بیدار.
۲. ابن عباس (۱۴۲۵)، تنویر المقباس، بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه.
۳. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (بی‌تا)، تفسیر غریب القرآن، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۴. ابوزید، نصر حامد (۱۳۹۷)، دایره‌های ترس؛ زنان در گفتمان دینی، مترجم: امینی،





- تهران: نگاه معاصر.
۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
 ۶. اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳ش)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: داد.
 ۷. امین، نصرت بیگم (۱۳۶۱ش)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.
 ۸. بحرانی (۱۴۱۶)، البرهان، تهران: بعثت.
 ۹. بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث.
 ۱۰. بهبودی، محمد باقر (بی‌تا)، «حجاب شرعی»، مجله حوزه، شماره ۴۲.
 ۱۱. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق)، تفسیر روان جاوید، تهران: برهان.
 ۱۲. جرجانی، حسین بن حسین (بی‌تا)، تفسیر گازر، بی‌جا: بی‌نا.
 ۱۳. تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳)، تفسیر تستری، بیروت: منشورات محمد علی بیضون/ دار الکتب العلمیه
 ۱۴. شبیانی، محمد بن حسن (۱۴۱۳)، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.
 ۱۵. جان احمدی، فاطمه و افشاری‌فر، راضیه و آقاجری، سید هاشم (۱۴۰۰)، «رهیافت جامعه‌شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن در جهان معاصر عرب»، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۱۳، شماره ۱.
 ۱۶. جرجانی، ابوالفتوح بن مخدوم (۱۳۶۲ش)، تفسیر شاهی یا آیات الاحکام، تهران: نوید.
 ۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، صهبای حج، قم: اسراء.
 ۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
 ۱۹. حائری تهرانی، میرسید علی (۱۳۷۷ش)، متقضیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 ۲۰. حسینی شیرازی، محمد (۱۴۲۴)، تقریب القرآن الی الاذهان، بیروت: دار العلوم.
 ۲۱. حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
 ۲۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳ش)، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.

۲۳. دخیل، علی بن محمد علی (۱۴۲۲)، الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۴. راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۵)، فقه القرآن، قم: کتابخانه عمومی مرعشی نجفی.
۲۵. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۰۶)، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۶. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹)، ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۷. سید کریمی حسینی، سید عباس (۱۳۸۲)، تفسیر علین، قم: اسوه.
۲۸. شبر، سید عبدالله (۱۴۰۷)، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتب المبین، کویت: مکتبه الالفین.
۲۹. شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴)، فتح القدر، دمشق- بیروت: دار ابن کثیر- دار الکلم الطیب.
۳۰. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: فرهنگ اسلامی.
۳۱. طباطبایی (۱۳۷۴ش)، ترجمه المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ش)، ترجمه مجمع البیان، تهران: فراهانی.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش)، جوامع الجامع، مترجمان: محمد واعظ زاده خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۵. طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
۳۶. عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۳)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دار القرآن الکریم.
۳۷. عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰)، تفسیر عاملی، تهران: صدوق.
۳۸. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵)، نورالثقلین، قم: اسماعیلیان.
۳۹. علی شاه علیزاده (۱۳۹۲ش)، تفسیر ابی الجارود و مسنده، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۴۰. فاضل جواد، جواد بن سعید (۱۳۶۷ش)، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، تهران: مرتضوی.
۴۱. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۱۹)، کنز العرفان، تهران: مجمع جهانی تقریب





مذاهب اسلامی.

۴۲. فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰)، معانی القرآن، مصر: دار المصریه للتالیف و الترجمه.
۴۳. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹)، من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعه و النشر.
۴۴. فیضی دکنی، ابوالفضل (۱۴۱۷)، سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، قم: دار المنار.
۴۵. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵)، الصافی، تهران: صدر.
۴۶. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷ش)، احسن الحدیث، تهران: بعثت.
۴۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، قم: دار الکتاب.
۴۸. کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
۴۹. کاشفی سبزواری (۱۳۶۹ش)، حسین بن علی، مواهب علیه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
۵۰. کرمی حویزی، محمد (۱۴۰۲)، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم: چاپخانه علمیه.
۵۱. گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸)، بیان السعاده فی مقامات العباده، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۵۲. مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.
۵۳. مشهدی قمی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۵۴. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴)، الکاشف، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۵. مغنیه، محمد جواد (بی تا)، المبین، قم: بنیاد بعثت.
۵۶. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا)، زبدہ البیان فی احکام القرآن، تهران: مکتبه المرتضویه.
۵۷. مکارم شیرازی (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۸. مهریزی طرقی، مهدی (۱۳۸۷ش)، نواندیشی دینی و مسئله زن، قم: صحیفه خرد.
۵۹. میرزا خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰ق)، تفسیر خسروی، تهران: اسلامیه.
۶۰. نجفی، محمد حسن (۱۹۸۳)، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۱. نهاوندی، محمد (۱۴۲۹)، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت.
۶۲. هواری، هود بن محکم (۱۴۲۶)، تفسیر کتاب الله العزیز، الجزائر: دار البصائر.
۶۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶ش)، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب